



گویش گیلکی رودسر

(آواشناسی، صرف، نحو، واژه‌نامه)

عفت امانی

عفت امانی

رودسر یکی از شهرهای استان گیلان است. کتاب گویش گیلکی رودسر بر اساس پژوهشی میدانی در دو بخش، تدوین و تنظیم شده است. بخش نخست، توصیف گویش گیلکی رودسر و دربردارنده آواشناسی، فرایندهای واجی، صرف و نحو این گویش و بخش دوم واژه‌نامه‌ای است بر اساس پیکره گروه گویش‌ها و زبان‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی که در این کتاب، دوسویه تنظیم شده است. امید است که از این پس در زمینه گویش‌های ایرانی کتاب‌های بیشتری گردآوری شود چراکه این گویش‌ها و گونه‌های زبانی، رو به فراموشی می‌روند.



گویش گیلکی رودسر

(آواشناسی، صرف، نحو، واژه‌نامه)

عفت امانی



گویش گیلکی رودسر
(آواشناسی، صرف، نحو، واژه‌نامه)

عفت امانی

• طراح جلد: سعیده اسدیپور • حروفنگار و صفحه‌آرا: نسرين قدرتی

• خوشنویسی صفحه‌آغازین کتاب: دکتر فرزین غفوری

• چاپ و صحافی: سپیدان تهران • شمارگان: ۵۰۰

• چاپ اول: ۱۳۹۴ شابک: 978-964-214-129-6 • قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

Email: kavirbook@gmail.com

نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام فراهانی، کوچه یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ نمابر: ۸۸۳۴۲۶۹۷

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

با احترام و ارادت

پیشکش بہ استاد کران مایہ جناب آقای

دکتر محمد رضا نصیری

دبیر محترم فرہنگستان زبان و ادب فارسی

فهرست

۹	 سخن ناشر
۱۱	 سپاسگزاری و سخن آغازین
۱۵	 پیشگفتار
۱۷	 درباره گویش گیلکی
۱۹	 درباره گیلان
۲۱	 درباره رودسر
۲۱	 آب و هوا، موقعیت جغرافیایی و قومی
۲۱	 اقتصاد و محصولات
۲۲	 جاذبه‌های طبیعی و تاریخی
۲۲	 پیشینه رودسر در منابع کهن
۲۴	 درباره پیکره زبانی
۲۵	 روش بررسی داده‌ها
۲۶	 جدول نشانه‌های همخوان‌ها
۲۷	 جدول نشانه‌های واکه‌ها
۲۸	 دیگر نشانه‌ها
۲۹	 ۱- آواشناسی
۳۰	 ۱-۱ انواع آواشناسی
۳۰	 ۱-۲ آوانگاری
۳۱	 ۱-۳ نشانه‌های خط آوانگار
۳۱	 ۱-۴ انواع آوانگاری
۳۱	 ۱-۵ انواع آوا
۳۵	 ۱-۶ توصیف آواهای گویش گیلکی رودسر
۳۸	 ۱-۷ هجا

۳۹	۸-۱ تکیه
۴۳	۲- فرآیندهای واجی
۴۶	۸-۲ فرآیندهای واجی در گویش گیلکی رودسر
۷۳	۳- صرف
۷۳	«صرف» (واژه‌شناسی یا ساخت‌واژه)
۷۳	۱-۳ تکواژ
۷۴	۲-۳ واژه
۷۴	۳-۳ ساخت‌واژه در گویش گیلکی رودسر
۷۵	۴-۳ انواع واژه
۱۱۳	۴- نحو
۱۱۳	۱-۴ گروه
۱۱۶	۲-۴ جمله و اجزای آن
۱۱۷	۳-۴ جمله با دید فعل
۱۱۸	۴-۴ همسانی فاعل با فعل در شخص و شمار
۱۱۸	۵-۴ انواع مفعول
۱۱۹	۶-۴ انواع جمله با دید شمار فعل
۱۲۱	۷-۴ انواع جمله با دید وجه
۱۲۲	۸-۴ انواع جمله با دید مفهوم و چگونگی بیان
۱۲۲	۹-۴ انواع جمله با دید آهنگ
۱۲۵	۵- نتیجه‌گیری
۱۲۹	۶- ملحقات
۱۳۰	صد جمله به گویش گیلکی رودسر
۱۳۷	واژه‌نامه موضوعی به ترتیب الفبای فارسی به گویش گیلکی رودسر
۱۹۹	واژه‌نامه به ترتیب الفبای گویش گیلکی رودسر به فارسی
۲۵۳	کتابنامه

سخن ناشر

ایران‌زمین، سرزمینی کهن و باستانی با مردمانی سرشار از فرهنگ و پیشینه تمدنی است. مردمانی با فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، گویش‌ها و لهجه‌های محلی که این تنوع همواره بر جذابیت سرزمینی آن می‌افزاید. شناخت زبان‌ها، گویش‌ها و نیز آداب و رسوم اقوام گوناگون ایرانی، ما را به ژرفنای فرهنگ غنی و ریشه‌دار ایرانی رهنمون و بسیاری از لایه‌های ناشناخته و رمز بقای ایران و ایرانی را بر ما آشکار می‌کند. پایبندی‌های قومی و محلی و هنجارهای پذیرفته‌شده اقوام ایرانی، همواره ضامن انسجام و یکپارچگی ملتی به نام «ملت ایران» بوده و خواهد بود. انتشارات کویر با درک و شناخت این مهم، رسالت خود می‌داند تا در حد توان در این راه گام بردارد.

گام نخست با انتشار کتاب ارزشمند «در درگزر (واژه‌نامه، زبانزد، آداب و آئین محلی)» اثر بانوی فاضل و فرهیخته، غفت امانی آغاز و به دنبال آن، اکنون با انتشار پژوهش گرانسنگ «گویش گیلکی رودسر (آواشناسی، صرف، نحو، واژه‌نامه)» اثر دوم سرکار خانم غفت امانی، گام دوم را برمی‌دارد. بدان امید که بتوانیم با یاری ایشان و سایر پژوهشگران این حوزه، زبان‌ها، گویش‌ها و آداب و رسوم محلی سایر اقوام ایرانی را به مردم فرهنگ‌دوست و طالب این گونه پژوهش‌ها عرضه نماییم.

آشکار است که در این راه، دست‌های یاری و همکاری هر پژوهشگر فرهیخته را صمیمانه می‌فشاریم. پاینده و جاودان باد ایران و ایرانی.

سپاسگزاری و سخن آغازین

همیشه در فکر داشتم که در جای مناسبی به کسانی بگویم که از ایشان سپاسگزارم و قدردانشان هستم. کسانی که اثر نیکشان در زندگی من فراموش نشدنی است. از پدرم و از مادرم که روشن است سپاس‌هایم از ایشان از چه روست اما ویژه آن است که پدرم نخستین آموزگارم در متون ادبی، پژوهش میدانی و آداب سفر و گفت‌وگو با مردم است. از مادرم که همواره کم بودن من در کنار خانواده را درک می‌کند و چه بسیار وعده‌ها که داده‌ام و چه سفرها که قرار است با ایشان بروم اما هنوز بدهکارشانم. خرد و مهر مادری ایشان نبودن‌های مرا برمی‌تابد. شرمگینم که حتی در نوروز که یقین دارد در کنار خوان نوروزی دست در دستش دارم باز هم در سفرم و باز هم مهر و آرزو و دعای خیرشان زودتر از من مقصد می‌رسد. دست‌بوس و سپاسگزار هر دو هستم جاودانه. سپاسگزارم از استادم و راهنمایم در آموختن مهارت‌های زندگی، بانو مرضیه سادات حسینی که هیچ گره کوری از زمان هم‌سخنی و درک ایشان در زندگی‌ام نمی‌یابم و همه درهای نیکی به رویم گشوده است. سپاسگزارم از یک مهربان دوست، الهام بنیادی، که همچون قدیسه‌ای باوقار گوشش شنوا و آشناست و نقطه عطفی است در آرامش. سپاسگزارم از آنان که در زندگی پژوهشی من اثرگذار بوده‌اند. از استاد علی بلوکباشی که توفیق آن را داشتم که چند سال در مکتب ایشان شاگردی کنم و گرچه مدیر من در محل کار بودند اما استادانه و دلسوزانه و بی‌دریغ روش و شگرد و چم و خم پژوهش و پژوهش میدانی را به من آموزش دادند. هیچ‌گاه زمان سپاسگزاری از ایشان نشد و شرمسارشانم. سپاسگزارم از سرکار خانم نسرین پرویزی، معاونت محترم گروه واژه‌گزینی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از این رو که با اعتماد خویش به من فرصت دادند که با بخش تدوین این گروه همکاری کنم. تجربه این همکاری و دیدن تلاش و سخت کوشی ایشان از نزدیک و نیز فراگیری دانش و تجربه نزد ایشان اسبابی شد در ایجاد نظم و و تمرکز و سامان فکری در من و خسته نشدن. مفتخرم و خوش اقبال که این فرصت را داشتم. سپاسگزارم از دوست گرانمایه، دکتر **محمدرضا رضوی**، که همواره از هم سخنی و هم فکری با ایشان در پژوهش های زبانی بهره می برم. سپاسگزارم از دوستی خردمند و بامهر، بانو **یلدا شکوهی**، که آگاهانه ایجاد انگیزه می کنند و سخاوتمندانه ایجاد فرصت.

در ادامه سپاسگزارم از کسانی که در پیشرفت این پژوهش و تدوین و تنظیم آن هم اندیشی و یاری رساندند. شایسته است که در آغاز سپاسگزار باشم از استاد فرهیخته، جناب آقای دکتر **حسن رضائی باغبیدی**، که پایان نامه مرا، که کتاب پیش رو ثمره آن است، پس از دفاع توزق نمودند و همین توزق و راهنمایی ها و نکته های دقیق و بدیعی که فرمودند اسباب فراگیری بسیار برای من شد. امید دارم که در برابر راهنمایی های ایشان و اجازه ای که برای انجام پژوهش های گویشی به من دادند سربلند باشم.

سپاسگزارم از جناب آقای مهندس **حسن آقاجانی** به سبب هم گامی در هنگام گردآوری داده ها و نمونه خوانی دست نویس های نازیبا و گسترده و درهم من. روشن است در صورت نبود این حضور گردآوری داده ها و انجام این پژوهش بسیار زمان بر و نیز پرهزینه می شد. نیز از خانواده فرهیخته ایشان که در پیشرفت این کار اثرگذار بودند. از جناب آقای دکتر **سیدمجتبی میرمیران**، استاد راهنما در دوره کارشناسی ارشد. پیشنهاد ایشان برای پایان نامه من توصیف گویش گیلکی رودسر بود. این کار در آغاز بسیار دشوار می نمود اما ایشان بس فراتر از یک استاد راهنما، راهنما و یاریگر در این امر بودند و با توجه به اینکه خود گویشور همین گویش اند و نیز دارای وجدان کاری استادی، نقطه عطف و اسباب پیشرفت من در گردآوری داده ها شدند چراکه همچون داوری سختگیر، واژه به واژه پیکره را خواندند و با توانش زبانی خویش نادرستی ها را درست نمودند. کمتر استاد راهنمایی را در این اندازه یاریگر دانشجو دیده ام و شنیده ام. به ویژه آنکه در سرتاسر دوران دانشجویی برای آموزش من تلاش بسیار نمودند. سپاسگزارم از بانو دکتر **مریم فیاضی**، استادم در دست سمینار در دوره کارشناسی ارشد، که افزون بر آموزش درست در دانشگاه، برای پایان نامه من بدون آنکه راهنما یا مشاورم باشند سخاوتمندانه در معرفی منابع و نیز روشن کردن ابهام ها در حوزه آواشناسی راهنمایی نمودند. سپاسگزارم از بانو **مریم رنجکش** که در بخش صرف فعل و نیز شبهاتی در واژه نامه با ایشان گفت و گو کردم و از سر مهر پاسخگو بودند. سپاسگزارم از جناب آقای **فرهاد قربانزاده**، که

از دانش و تجربه ایشان برای ویرایش واژه‌نامه بهره بردم و روش مناسبی برای این کار پیشنهاد دادند که برخی از آن را پذیرفته و انجام دادم. یادآور می‌شوم که با وجود راهنمایی‌های همه استادان و دوستان نام‌برده‌شده، لغزش‌ها و کاستی‌های این کتاب از آن خود من است.

و هزار بار سپاسگزارم از گویشورانم: بانوان سیده سکینه عسگری، ربابه علی‌نیا، فاطمه خوشخوان و آقایان عیسی علی‌نیا، مرید تقی‌پور، دکتر حمید پورعیسی، و دیگر گویشورانی که با میهمان‌نوازی و بردباری خویش داده‌های گویشی را از آنها بازستانده‌ام. همچنین سپاسگزارم از عارف درویش، شاگرد پیشین و دوست کنونی که کنجکاو و پیگیری او در سبب چاپ نکردن پایان‌نامه، آن را وارد میدان چاپ ساخت. هم ایشان مرا به مدیر محترم نشر کویر شناساندند و جناب محمدجواد مظفر با فرهیختگی و وسواس، پذیرای چاپ این کتاب شدند. و سپاسگزارم از بانو نسرین قدرتی، مدیر تولید نشر کویر که اخلاق خوش و کاربلدی ایشان دلهره‌های مراحل چاپ را کاهش می‌داد.

این اثر نخستین کتاب در توصیف این گویش و نخستین واژه‌نامه از این گویش است و روشن است که هر کار نخستینی دشواری‌های بسیاری دارد و نیز به دور از خطا و کاستی نیست. امید دارم با پیشنهادها و یادآوری‌های صاحب‌نظران لغزش‌ها و کمبودهای آن برطرف شود. افزون بر نگارش این کتاب، ویرایش فنی و مرحله‌ای از صفحه‌آرایی را نیز که برای من گاه دشوارتر از تدوین کتاب می‌نمود، خود انجام داده‌ام. در روند کار دریافتم برای اطمینان از درستی مطالب و پیشگیری از هرگونه خطای فنی احتمالی و صرفه‌جویی در زمان، خود صفحه‌آرایی بیاموزم، چنین کردم و روزهای بی‌شماری را برای صفحه‌آرایی این کتاب و کتاب دیگرم، در درگزر، سپری کردم که هم‌زمان به چاپخانه رفتند. هم‌زمان شدن مراحل چاپ این دو کتاب سبب شد نتوانم از تجربه‌ی یکی برای دیگری بهره‌برم و آماده‌سازی این دو کتاب برای چاپ و ویرایش واژه‌نامه‌های آنها رنج فراوانی داشت. اما امید دارم این تجربه در پژوهش‌های دیگرم به کار آید.

در پایان گفتنی است که در روند تدوین این کتاب از همان نقطه آغاز یعنی پژوهش میدانی تا رفتن به چاپخانه از هیچ یک از امکانات دولتی و غیر دولتی بهره‌ای نداشتم. همه تلاش خویش را کرده‌ام تا پژوهشی درخور خواننده انجام دهم. پیشنهاد و دیدگاه خود را برایم بفرستید. نشانی‌ام را می‌گذارم.

عفت امانی

پاییز ۱۳۹۴ خورشیدی - تهران

ghazalehamani@gmail.com

پیشگفتار

با گذشت سال‌های بسیار از گسترش دانش زبان‌شناسی هنوز بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی یا آن‌چنان که باید و یا هرگز بررسی نشده‌اند و ناگفته‌های بسیار دارند، گرچه دانش زبان‌شناسی خود را متولی مقوله‌های زبانی و بررسی آن می‌داند و گام‌هایی نیز برای شناخت گویش‌ها برداشته است؛ اما از آنجاکه بیشتر تلاش این دانش در بررسی منازعات صوری زبانی است هنوز چه بسیار گویش‌ها که در گوشه‌گوشه این سرزمین کهن وجود دارد که یا هنوز معرفی نشده‌اند یا ناشناخته مانده‌اند، یا تنها بخشی از آن بررسی شده است و گردآوری یک پیکره زبانی رویکرد آن بررسی‌ها نبوده است. گویش گیلکی رودسر، نمونه روشن این گفته‌ها است.

گویش‌ها امروزه بنا بر دلایلی چون گستردگی روابط و شدآمدها، مهاجرت، آموزش و راه‌اندازی مراکز آموزشی گوناگون در هر شهر، در نتیجه ورود غیر گویشور به آن شهر، گسترش رسانه‌ها، سخن‌نگفتن پدران و مادران با فرزندان خود به گویش مادری و نداشتن ادبیات رو به خاموشی گذاشته‌اند. عامل جدید دیگری نیز در خاموشی گویشوران اثرگذار است و آن ساخت و پخش برخی طنزهای سبک تلویزیونی است که گویشوران را می‌رنجانند. ضروری و مهم می‌نماید که پژوهشگران و سخن‌شناسان گام در راه گردآوری و بررسی گویش‌ها نهند؛ چراکه جایگاه گویش‌های ایرانی برای انجام و پیشبرد پژوهش‌های ادبی، زبانی، تاریخی، جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی و با نگاه کلان ایران‌شناسی، ویژه و یگانه است و این همان ویژگی ذاتی زبان است چراکه: «کلمه به صورت نوعی نیروی آغازین درمی‌آید که سراسر هستی و عمل، از آن سرچشمه می‌گیرد» (کاسیرر، ۱۳۹۰: ۸۶).

پیشینه، گستردگی و گوناگونی اقلیم سرزمین ایران و پراکندگی و چندگونگی اقوام ایرانی سبب پیدایی گویش‌ها و لهجه‌ها و زبان‌های بی‌شماری شده است. شمار دانندگان و سخنوران این

گویش‌ها، گاه چند تن و گاه بی‌شمار است و اسباب آن افزون بر ویژگی‌های زبانی، اموری چون مهاجرت، اقلیت‌های دینی و دیگر موارد پیش گفته است. این چندزبانی و چندگویشی ویژه ایران نیست؛ بلکه بیش‌تر کشورهای جهان بیش از یک زبان و گویش و لهجه دارند و جامعه‌ای یک‌زبانه به شمار نمی‌روند و این موضوع بستگی مستقیمی به پیشینه یک کشور، پهناوری، تاریخ و تمدن و فرهنگ آن در گستره زمان، تاخت و تازها، مهاجرت‌ها و جز آن دارد. گویش‌ها و گونه‌های زبانی تقریباً رو به فراموشی جدی قرار گرفته‌اند. از این رو، اگرچه زنده نگه داشتن آنها ناممکن به نظر می‌رسد، اما ضرورت و فایده گردآوری و ثبت آن گریزناپذیر است. بهره‌های بی‌شماری در گردآوری گویش‌ها و توصیف آنها و تدوین واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های گویشی نهفته است. این گردآوری‌ها به دسته‌بندی و رده‌بندی دقیق‌تر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و شناخت روابط موجود میان آنها در نتیجه رده‌شناسی (typology) زبانی (درباره رده‌شناسی زبان‌های ایرانی نک: دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱) کمک بیش‌تری می‌کند و نیز سبب می‌شود که با آداب و آیین و باورها، و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گویشوران آن منطقه، چه در زمان کنونی و چه در گذشته، آشنایی پیدا کنیم. یا آگاهی از چگونگی دگرگونی‌های آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و واژگانی در گذر زمان در مناطق گوناگون. افزون‌بر همه اینها، تدوین فرهنگ‌های گویشی در فراهم آوردن مواد ضروری برای مطالعات تطبیقی تاریخی به‌ویژه در بازسازی صورت‌های کهن، و مطالعات ریشه‌شناختی دقیق و تدوین فرهنگ اشتقاقی گویش‌ها و زبان فارسی یاری می‌رساند. و بالاتر از همه در فراهم آوردن مواد ایرانی تبار برای واژه‌سازی و واژه‌گزینی در زبان فارسی و در نتیجه بی‌نیازی و فربهی مخزن زبان فارسی (برای آگاهی بیش‌تر درباره ثبت و ضبط گویش‌ها و فواید و اهداف آن نک: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی، ۱۳۹۰). موضوع مهم دیگر که به واسطه گردآوری واژه‌نامه‌های گویشی به دست می‌آید تصحیح درست نسخه‌های کهن است. حوزه‌های جغرافیایی متون کهن فارسی گوناگون است و نویسنده‌های این متون در کنار به‌کارگیری زبان فارسی معیار از واژه‌های گویش خود نیز بهره برده‌اند و چه‌بسا گاه ناشناخته بودن این واژه‌ها و در دست نبودن واژه‌نامه‌ای گویشی، تصحیح درستی از یک متن به دست ندهد.

امید است که از این پس شاهد انجام پژوهش‌های بیشتری در زمینه گویش‌ها و زبان‌های رایج در ایران باشیم.

درباره گویش گیلکی

گویش گیلکی از گویش‌های پرگوینده زبان‌های ایرانی است. این گویش از گویش‌های ناحیه حاشیه دریای خزر و از شاخه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو غربی است (رضائی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). گروهی از پژوهشگران ریشه و پیشینه زبان‌های کرانه خزر، به‌ویژه گیلکی را از زبان پارتی دوره میانه می‌دانند (نک: ارانسکی، ۱۳۸۶: ۱۶۳-۱۶۴؛ جهانگیری، ۲۰۰۳، ج ۱: ۲۲-۲۳). از دید ساختار نحوی و صرفی تفاوتی میان گونه‌های بسیار زبان گیلکی نیست، اما اختلاف آوایی و واژگانی بسیاری میان این گونه‌ها برقرار است. گرچه این موضوع مانع از درک متقابل گویندگان آن نمی‌شود. بیشتر گونه‌های زبانی گویش گیلکی در پهنه گیلان، با گونه کناری خود صورتی یکسان و همانند دارند و درکی متقابل میان گویشوران همجوار و همسایه برقرار است؛ ولی در گونه‌های ناهمجوار یا به دیگر سخن، گونه‌های با فاصله مکانی، چنین نیست. یعنی هرچه فاصله میان دو گونه بیش‌تر شود، به همان میزان درک و فهم زبانی کم‌تر می‌شود.

بخش‌بندی گویش‌های گیلکی

گویش‌ها و گونه‌های زبانی حاشیه دریای کاسپین گوناگون است که گسترده‌ترین آن گونه‌ها و گویش‌های رایج در استان گیلان است که می‌توان آن را سه بخش دانست:

- ۱- گونه‌ها یا گویش‌های گیلکی؛
 - ۲- گونه‌ها یا گویش‌های غیر گیلکی از گروه زبان‌های کرانه‌ای کاسپین؛
 - ۳- گونه یا گویش ترکی آذری.
- گیلکی خود سه گونه دارد:

- ۱- گونه گیلکی بیه پیش^۱ که در منطقه‌ای محدود از شمال به دریای کاسپین، از جنوب به بلندی‌های سیاهکل، از غرب به آستانه و حسن‌کیاده تا مرزهای کوچصفهان و از شرق به لنگرود و رودسر است که اندک‌اندک با گویش مازندرانی می‌آمیزد؛
- ۲- گونه گیلکی بیه پس^۲ که در رشت، خُمام، بندر انزلی، فومن و شفت به آن سخن می‌گویند؛
- ۳- گونه یا گویش گالشی که گونه‌ای گیلکی است که مردم نواحی کوهستانی لاهیجان و رودسر به آن سخن می‌گویند.

گونه‌های غیر گیلکی از گروه زبان‌های کرانه کاسپین:

- ۱- تالشی در تالش، دولاب، ماسال و شاندرمن؛
- ۲- تاتی که از دیگر گونه‌های زبانی کرانه کاسپین است و در چند آبادی از بخش رودبار زیتون به آن گفت‌وگو می‌شود؛
- ۳- کرمانجی که از گونه‌های کردی است و در فاراب و کرمانج عمارلو سخنگویانی دارد؛
- ۴- ترکی آذری نیز گونه زبانی غیر ایرانی است که در منطقه آستارا رایج است و در بندر انزلی و توالش نیز سخنگویانی دارد و در استقرای نخستین اثرگذاری زبان فارسی و گیلکی در بخش آوایی و واژگانی در این گونه دیده شد.

دیگر گویش‌های حاشیه دریای کاسپین:

- ۱- گویش‌های مازندرانی همچون آملی، بابلی، ساروی، شهمیرزادی؛
- ۲- گویش‌های منطقه سمنان همچون سمنانی، سنگسری، بیابانکی (برای اطلاع بیش‌تر درباره بخش‌بندی گویش‌های گیلان نک: جهانگیری، ۲۰۰۳، ج ۱: ۲۳-۲۴).

دربارهٔ گیلان

استان گیلان از راه آستارا با جمهوری آذربایجان مرز بین‌المللی دارد. نیز از شمال به دریای کاسپین، از جنوب به رشته‌کوه‌های البرز و استان قزوین و زنجان، از غرب و شمال غربی به استان اردبیل و کشور جمهوری آذربایجان و از شرق به استان مازندران متصل است. گیلان در وسعت، کوچک‌ترین استان ایران است و تنها چیزی حدود یک درصد از مساحت ایران را تشکیل می‌دهد. سال‌نامهٔ آماری وزارت کشور مساحت این استان را ۱۴۰۴۲ کیلومتر مربع بیان کرده (مصادقی، ۱۳۹۰: ۹). طول نوار ساحلی این استان که از آستارا آغاز و تا چابکسر ادامه می‌یابد نیز حدود ۳۱۵ کیلومتر است. در محدودهٔ گیلان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۵ تعداد ۱۶ شهرستان، ۴۳ بخش، ۴۹ شهر، ۱۰۹ دهستان و ۲۶۹۵ آبادی وجود دارد. جمعیت تقریبی این استان به سه میلیون نفر می‌رسد و پس از استان تهران از دید جمعیت، پرتراکم‌ترین استان کشور است. استان گیلان دو بخش غربی و شرقی دارد که اساس این بخش‌بندی رودخانهٔ سفیدرود است. به بخش غربی گیلان، گیلان غربی و در گویش گیلکی بیه‌پس و به بخش شرقی گیلان، گیلان شرقی و در گویش گیلکی بیه‌پیش می‌گویند. بیه در گیلکی به معنای رود است. استان گیلان از سال ۱۳۴۴ در تقسیمات کشوری ایران استانی مستقل دانسته شد. این منطقه پیش از آن ولایت گیلان و استان یکم خوانده می‌شد. اقوام گیلک، تالش، دیلم، تات، گالش، لر، کولی، ارمنی، ترک، ارمنی و آسوری در استان گیلان زندگی می‌کنند. بیشترین باشندگان در این استان، به‌ترتیب اقوام گیلک، تالش، و گالش هستند. مذهب بیشتر مردم گیلان شیعهٔ دوازده‌امامی است. از گیلان در متون کتیبه‌ای ایران باستان، در متون آغازین پس از اسلام مانند شاهنامه فردوسی، حدودالعالم من المشرق الی المغرب، مسالک‌الممالک، سفرنامه ناصر خسرو و برخی متون دیگر نام برده شده است (برای اطلاع بیشتر نک: امانی، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۹).

درباره رودسر

آب و هوا، موقعیت جغرافیایی و قومی

رودسر یکی از شهرهای شرقی استان گیلان است و با وسعتی حدود ۱۳۴۰ کیلومتر مربع سومین شهر استان در بزرگی. رودسر از شمال و شمال شرق با دریای کاسپین، از جنوب با کوه‌های البرز، از شرق با رامسر و از غرب با لنگرود و دیلمان همسایه است و چهار بخش و ده دهستان دارد. بخش‌های رودسر عبارت‌اند از: مرکزی، چابکسر، رحیم‌آباد و کلاچای. مرکز شهرستان رودسر، شهر رودسر است. برابر با سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت این شهرستان حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر بوده است. قومیت مردم رودسر گیلکی، زبان آنها رودسری از گویش شرق گیلان و مذهبشان شیعه دوازده امامی است. بخش شمالی شهرستان رودسر در اقلیم و آب و هوا با دیگر بخش‌های آن متفاوت است. بخش شمالی در کنار دریای کاسپین و جلگه قرار دارد، با آب و هوایی معتدل و مرطوب و بارانی که در تابستان بر میزان شرجی هوا افزوده می‌شود. و دیگر بخش‌های آن بخش کوهستانی رودسر است با آب و هوایی بارانی و سردسیر.

اقتصاد و محصولات

اقتصاد مردم رودسر به سبب قرار گرفتن در کنار دریا و زمین‌های حاصل خیز جلگه‌ای بر پایه ماهی‌گیری و کشاورزی است. صنایع دستی همچون چادرشب، لباس‌های محلی، حصیر، جوراب پشمی، زنبیل، نمد، سرامیک و سفال به‌ویژه دیگ‌های سفالی محلی به نام گَمَج در این منطقه گسترش دارد. محصولات عمده کشاورزی و باغداری عبارت‌اند از: برنج، چای، ابریشم، کنف، مرکبات، گندم، جو، فندق، گردو، حبوبات، گل‌گاوزبان و انواع سبزی. همه محصولات کشاورزی و باغداری و صنایع نام‌برده‌شده در بازارهای محلی که هفته‌ای یک بار برگزار می‌شوند عرضه می‌شود. این بازارهای هفتگی، مناسب‌ترین مکان برای تهیه خوراکی‌های تازه محلی و صنایع دست‌ساز است. مهم‌ترین و شلوغ‌ترین بازار هفتگی یکشنبه‌بازار است که پُرکننده سبد خرید مردم رودسر و شهرهای اطراف و گردشگران است.

جاذبه‌های طبیعی و تاریخی

رودسر به سبب اقلیم دوگانه‌اش، یعنی بودن در کنار دریا و نیز کوهستانی بودن، مناطق طبیعی ویژه و گوناگونی دارد و نیز به سبب کهن بودن آن، جاذبه‌های تاریخی و باستانی. مناطق مهم طبیعی و تاریخی رودسر عبارت‌اند از:

- ۱- سفیدآب در رحیم‌آباد و آبشار و چشمه‌هایی بسیار که از کوه‌های پیربرف منطقه سرچشمه می‌گیرد؛
- ۲- چشمه خروشان آسمان‌رود در ۴۵ کیلومتری رحیم‌آباد منطقه اشکورات علیا؛
- ۳- ییلاق‌های اشکورات؛
- ۴- جنگل و کوهستان سرولات در چابکسر؛
- ۵- ساحل رودسر به طول ۴۰ کیلومتر؛
- ۶- چشمه آب معدنی سحیران، با خواص درمانی، در روستای جیرک در یک مسیر کوهستانی و در میان جنگل‌های انبوه؛
- ۷- غارهای پیش از تاریخ در منطقه دیارجان نزدیک آشورآباد؛
- ۸- غار کبیران نزدیک گرمابه‌دشت در رودسر؛
- ۹- غار سرددره در روستای شاه‌یجان در اشکور؛
- ۱۰- پل آجری تمیجان و مسجد جامع تمیجان از آثار دوره صفوی با پوششی چوبی و گچ‌بری و کتیبه‌ای بر سنگ مرمر؛
- ۱۱- گنبد پیرمحل در روستای پیرمحل در ماچیان که هشت‌ضلعی و از عجایب هفت‌گانه استان گیلان است؛
- ۱۲- قلعه بندبن در بندبن قاسم‌آباد با برجی به ارتفاع ۱۲ متر؛
- ۱۳- خلیفه‌محل با طبیعتی زیبا که به همین سبب به گلستان‌محل نیز موسوم است. خلیفه‌محل معدن شن و ماسه دارد؛
- ۱۴- روستای کاکرود در رودسر با آسیاب‌های آبی؛
- ۱۵- بقعه‌ها و امام‌زاده‌ها. (Roodsar.com - Roodsarnews.com - guilan.irib)

پیشینه رودسر در منابع کهن

جغرافی‌دان‌های دوره کهن در آثار خود از رودسر یاد کرده‌اند ولی نه با نام امروزی‌اش، بلکه با نام کهن آن یعنی هوسم و کُوتَم. کسانی چون مقدسی در احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم، نوشته به سال ۳۷۵ ه. ق. حمدالله مستوفی در نزهة‌القلوب نوشته به سال ۷۴۰ ه. ق.

منبع دیگر کتاب‌های نوشته‌شده در زمینه جغرافیای تاریخی رودسر نیز همین کتب کهن است؛ مثلاً گای لیسترنج در جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی در دو بخش از «کُوتَم» نام برده است. یکی در بخش سیرابی آذربایجان از رودهای گیلان که می‌گوید سفیدرود پس از عبور از سد

کوهستانی در کوتم واقع در ایالت گیلان به دریای کاسپین می‌ریزد (۱۳۸۳: ۱۸۲). و دیگر جا که از گیلان و ایالات شمال باختری می‌گوید از قول حمدالله مستوفی می‌آورد: کوتم به فتح و ضم «ک» نزدیک‌تر به دهانهٔ سفیدرود، بندری بود برای کشتی‌هایی که از نقاط دیگر دریای کاسپین به آنجا می‌آمدند (همان، ۱۸۷). در ادامه نیز قول یاقوت حموی و ابوالفدا را دربارهٔ پرونسق بودن بندر تجاری کوتم در قرن هشتم آورده است (همانجا).

دربارهٔ پیکرهٔ زبانی

پیکرهٔ زبانی این پژوهش برابر با دستور کار و واژه‌های مندرج در راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینهٔ گویش‌های ایرانی، کاری از گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از راه پژوهش میدانی برای تدوین پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد نگارنده گردآوری شده است. به این ترتیب که در سه دورهٔ زمانی یعنی زمستان ۱۳۹۰ و بهار و تابستان ۱۳۹۱ با گویشوران بسیاری گفت‌وگو نموده و از این میان چند تن را برای کامل کردن این پیکره برگزیدم تا هم بر اساس مشاهده و هم بر اساس مصاحبه و گفت‌وگو، واژه‌ها و جمله‌های گزینش‌شده را ثبت و گردآوری کنم. گویشورانی با این ویژگی‌ها: رودسری اصیل، بومی و ساکن منطقه، بی‌سواد یا کم‌سواد و با سن بالای پنجاه سال. گرچه در مواردی ناگزیر و به‌ناچار سن و سواد را در نظر نگرفته و پس از گردآوری داده‌ها برای رفع ابهام‌ها و پرسش‌ها و اختلاف نظر گویشوران به‌ویژه در بخش صرف فعل، با گویشوران باسواد گفت‌وگو کرده‌ام. ضبط یک گونهٔ معیار در این گویش دشوار است چراکه گونه‌های زبانی بسیارند و گاه به فاصله‌ای کمتر از پانصد متر تفاوت آوایی و واژگانی دیده می‌شود. نتیجهٔ این پژوهش میدانی واژه‌نامهٔ پیش رو شد. داده‌های گردآوری‌شده که افزون بر موارد مندرج در راهنمای گردآوری گویش‌ها است که سبب آن اقلیم گیلان و فرهنگ آن است، در دو بخش، یعنی صد جمله و واژه‌نامه تنظیم شده است. واژه‌نامه برای دسترسی آسان‌تر کاربر، دوسویه تنظیم شده یکی به ترتیب الفبای فارسی به گویش گیلکی رودسر و موضوعی و دیگری به ترتیب الفبای گویش گیلکی رودسر به فارسی و عمومی. نشانهٔ تیره در واژه‌نامه به این معنی است که آن واژه یا برابری در فارسی ندارد یا تفاوتی با فارسی ندارد. در مواردی شماری از واژه‌ها بیش از یک تلفظ دارند که هر دو تلفظ ضبط شده و تلفظ اول پربسامد است. این پیکره با روش زیر بررسی شده است.

روش بررسی داده‌ها

پیکرهٔ زبانی گفته‌شده، با روش توصیفی بررسی شده است به این صورت که داده‌ها پس از آوانگاری در سه حوزه «آواشناسی» و «صرف» و «نحو» توصیف شده‌اند. در بخش فرآیندهای واجی از زیرمجموعهٔ آواشناسی، این گویش با فارسی معیار سنجیده شده، چرا که زبان رسمی کشور و یا «زبان کلی» یا «زبان مشترک» و یا «زبان میانجی» همهٔ گویندگان کشور با انواع گویش و لهجه است (برای اطلاع بیشتر دربارهٔ زبان‌های میانجی نک: مدرسی، ۱۳۶۸: ۸۳ تا ۱۲۸). سنجش فرآیندهای واجی را می‌توان با زبان‌های هم‌شاخهٔ گویش نیز انجام داد که رویکرد این پژوهش نبود. این پژوهش با دیدگاه «هم‌زمانی»^۱ یعنی توصیف گویش در زمان کنونی بررسی شده است. زبان‌شناسی هم‌زمانی یا توصیفی وضع کنونی زبان را جدای از پیشینه و دگرگونی تاریخی آن در نظر می‌گیرد و توصیف می‌کند و ملاک تاریخی ندارد (باطنی، ۱۳۹۰: ۷۸). انجام پژوهش‌های «درزمانی»^۲ یا تاریخی، که نیز در این گویش پرکاربرد و پراهمیت است، یعنی چگونگی دگرگونی یک زبان به‌خصوص در طول دورهٔ زبانی آن، رویکرد این بررسی‌ها نبود و نیز دانشی دیگر می‌خواهد. فردینان دوسوسور میان زبان‌شناسی هم‌زمانی و درزمانی، خط قاطعی کشید و تأکید کرد که این دو نباید با هم آمیخته شوند (باطنی، ۱۳۹۰: ۷۸) و این دو، دو شاخهٔ اصلی و متفاوت در زبان‌شناسی‌اند (میتوز، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

در بررسی‌های زبانی گاه برخی اصطلاحات پایه را بیشتر توضیح داده‌ام گرچه ممکن است برای اهل سخن ملال‌آور باشد اما این اطناب را برای دانشجویان و غیر اهل زبان و لغت ضروری دیدم.

جدول نشانه‌های همخوان‌ها

نشانه آوایی	توصیف آوایی	نویسه فارسی و رودسری	مثال	آوانوشت
p	انسدادی، دولبی، بی‌واک	پ	پهن	paxt
b	انسدادی، دولبی، باواک	ب	آبجی	bâji
t	انسدادی، دندانی، بی‌واک	ت، ط	دو (دویدن)	taxt
d	انسدادی، دندانی، باواک	د	آشکار	deyšâ
k	انسدادی، نرم‌کامی، بی‌واک	ک	تپه	kul
g	انسدادی، نرم‌کامی، باواک	گ	نعره	gurə
q	انسدادی، ملازی، باواک	ق، غ	کمر بند	qeyš
ʾ	انسدادی، چاکنایی، بی‌واک	همزه	جرات	jurʾat
ʾ	انسدادی، چاکنایی، بی‌واک	همزه، ع	عشق	ʾišq
č	انسدادی‌سایشی، لثوی‌کامی، بی‌واک	چ	ارزن	čurum
ĵ	انسدادی‌سایشی، لثوی‌کامی، باواک	ج	الکن	ĵut
f	سایشی، لبی‌دندانی، بی‌واک	ف	سوت	fīšə
v	سایشی، لبی‌دندانی، باواک	و	کنار	var
s	سایشی، لثوی، بی‌واک	ث، س، ص	استخر	sal
z	سایشی، لثوی، باواک	ذ، ز، ض، ظ	زانو	zōni
š	سایشی، لثوی‌کامی، بی‌واک	ش	پاره	šandar
ž	سایشی، لثوی‌کامی، باواک	ژ	فریاد	živir
x	سایشی، ملازی، بی‌واک	خ	سرفه	xobe
h	سایشی، چاکنایی، بی‌واک	ه، ح	ارزان	hači
m	غنه‌ای، دولبی، باواک	م	مادر	mâr
n	غنه‌ای، دندانی، باواک	ن	شکوفه	narak
l	کناری، لثوی، باواک	ل	لوله	lalə
r	لرزشی، لثوی، باواک	ر	پسریچه	rikə
y	ناسوده (نیم‌واکه)، کامی، باواک	ی	اژدها	yuhâ

جدول نشانه‌های واکه‌ها

نشانه آوایی	توصیف آوایی	نویسه فارسی و رودسری	مثال	آوانوشت
i	بسته، پیشین، گسترده	ای	امشب	imšow
ĩ	بسته، پیشین، گرد، کشیده	ای کشیده	پاشنه پا	pĩzi
i:	بسته، پیشین، گسترده، کشیده	ای کشیده	میوه‌ای جنگلی	mi:rax
u	بسته، پسین، گرد	او	گونه‌ای عقاب	âluq
ũ	بسته، پیشین، گرد	او کشیده	گوشت	gũšt
e	نیم‌بسته، پیشین، گسترده	اِ	اینجا	era
e:	نیم‌بسته، پیشین، گسترده، کشیده	اِ کشیده	ارزیدن	arze:n
ə	نیم‌باز، مرکزی، گسترده	اَ کوتاه	برادر	bərar
a	باز، پیشین، گسترده	اَ	کفگیر مسی	asson
a:	باز، پیشین، گسترده، کشیده	اَ کشیده	بیچه	za:k
â	باز، پسین، گسترده	آ	شناگر	âbbâz
o	نیم‌بسته، پسین، گرد	اُ	پالان	pâlon
o:	نیم‌بسته، پسین، گرد، کشیده	اُ کشیده	آب رفتن	âbšo:n
ö	نیم‌بسته، پیشین، گرد	اُ کشیده	زانو	zöni
ey	واکه مرکب	ای	چلچله	haj hajey
ay	واکه مرکب	آی	افسوس	hayf
ây	واکه مرکب	آی	آینه	âynə
oy	واکه مرکب	آی	وای	vo:y
ow	واکه مرکب	اُو	هوو	owsi
âw	واکه مرکب	اَو	آبجی	âwji
aw	واکه مرکب	اَو	آبکش	awkəš

دیگر نشانه‌ها

آوانوشت	مثال	توصیف آوایی	نشانه آوایی
ja:bə	دندان آسیا	نشانه کشیدگی مصوت	:
x'udâ	خدا	نشانه تکیه (پیش از هجاهای تکیه‌دار می‌آید)	'